

اسرائیل را نمی‌توان با ابزارهای نظامی نابود کرد

امیرسعید ابروانی، نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، گفت وگویی با نشریه نیوزویک انجام داده است که در ادامه بخش‌هایی از این گفت‌وگو را مطالعه می‌کنید:

۱ آرمان فلسطینی از لحاظ ماهیت و بنیان‌ها با انقلاب اسلامی ایران درهم‌تنیده است. آرزوی مشترک هر دو پایان دادن به اشغالگری و تأکید بر حقوق مردم فلسطین است اما گروه‌های فلسطینی به صورت مستقل استراتژی‌ها و تاکتیک‌های متنوعی برای رسیدن به این اهداف در پیش می‌گیرند.

۲ در چارچوب کلی جبهه مقاومت، هر گروه در هماهنگی کلی با دیگران عمل می‌کند اما از استقلال در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و رویکردهای تاکتیکی براساس هویت‌های سازمان و ملی خود برخوردار است. در طول عملیات طوفان الاقصی، شاخه نظامی حماس خودمختارانه بدون نیاز به مشورت و هماهنگی با دیگر گروه‌های جبهه مقاومت تصمیم‌هایش را گرفت، برنامه‌ریزی کرد و برنامه‌هایش را اجرا کرد.

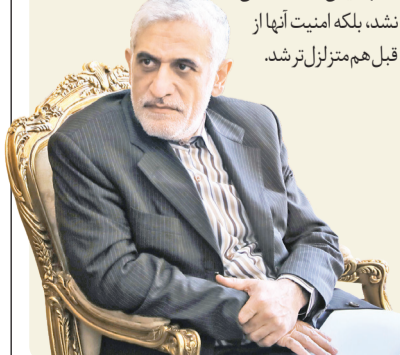
۳ مهم‌ترین اولویت جمهوری اسلامی ایران حفاظت از جان غیرنظامیان است. هم‌زمان با اینکه گروه‌های جهادی با اراده خود مسیر نبرد را برگزیده‌اند و آگاهانه هزینه‌ها را برای خودشان و خانواده‌هایشان پذیرفته‌اند، منطقی است که افراد عادی و به‌ویژه زنان و کودکان از تبدیل شدن به قربانیان جنگ در امان باشند. موضع تزلزل‌ناپذیر ایران حمایت از آتش‌بس فوری و پایدار است که شامل توقف بمباران‌ها و کشتار شهروندان غیرنظامی در غزه باشد. جنگ میان مقاومت و اسرائیل تا پایان اشغالگری ادامه خواهد یافت اما این نبرد باید به میادین جنگ محدود بماند و غیرنظامیان را تحت تأثیر قرار ندهد.

۴ توانایی نظامی مقاومت فلسطینی قرار نیست باعث سقوط یا محو اسرائیل شود، بلکه با هدف جلوگیری از توسعه اشغالگری و ترغیب این رژیم به تخلیه مناطق اشغالی به کار گرفته می‌شود. اساساً رژیم‌ها را که به سلاح هسته‌ای مسلح است و یکی از بزرگترین قدرت‌های نظامی جهان محسوب می‌شود، نمی‌توان تنها با اقدام‌های نظامی از بین برد. در نتیجه دورنمای سقوط اسرائیل از طریق ابزارهای نظامی اتفاق نمی‌افتد، بلکه بر اثر عوامل داخلی رخ می‌دهد.

۵ کشتارها باعث تقویت آرمان فلسطین می‌شود و تعداد بیشتری را به سمت مقاومت می‌کشاند. در حالی که اسرائیل تلاش می‌کند تا افرادی را درون گروه حماس هدف قرار دهد اما روشن است که نمی‌توان کلیت این سازمان را از میان برداشت. در عوض این اقدام‌ها باعث افزایش قدرت مقاومت می‌شود و باعث می‌شود نیروهای جدیدی با حماس همراه شوند یا گروه‌های جدیدی تشکیل شوند که به مقاومت بایند هستند. باور ما این است که بحران فلسطین با استفاده از ابزارهای نظامی پایان‌پذیر نیست، بلکه راه حل آن پایان دادن به اشغالگری و اجرای حق بنیادین مردم فلسطین برای تعیین حق سرنوشت است.

۶ اسرائیل توانایی لازم برای تجاوز نظامی [به ایران] بدون کمک بلا قید و شرط آمریکا ندارد. با استمرار جنگ غزه هزینه‌های حمایت آمریکا به شکل روزافزونی افزایش پیدا می‌کند. اسرائیل به شکل روزافزونی در حوزه هزینه‌های مادی، سیاسی و به‌ویژه اخلاقی و حیثیتی در صحنه جهانی به یک بار اضافی روی دوش آمریکا تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی نه منافع استراتژیک آمریکا و نه ظرفیت‌های اسرائیل اجازه آغاز یک جنگ جدید نمی‌دهد. ایران در عزم قاطع خود برای اجتناب از آغاز جنگ با هر کشوری پایدار است. به‌ویژه یک جنگ پیش‌دستانه هیچ جایگاهی در دکترین دفاعی ایران ندارد. با این حال کشور در بالاترین آمادگی ممکن برای مقابله با هر تهدید احتمالی قرار دارد و با تمام قوا از خودش، مردمش و منافعی که دفاع خواهد کرد.

۷ مادامی که این باور وجود داشته‌باشد که مقاومت علیه آنها [آمریکا] توسط ایران یا دیگر نیروها سازماندهی می‌شود، مسئله اصلی حل نشده باقی می‌ماند. این تصور وجود داشت که حذف فرمانده پیشین نیروی قدس باعث از بین رفتن موانع می‌شود. با این حال نته‌ها این هدف محقق نشد، بلکه امنیت آنها از قبل هم متزلزل‌تر شد.



نظر خواهی

ترجمه: آریا صدیقی
خبرنگار گروه بین‌الملل

با توجه به اینکه جنگ غزه و تأثیرات منطقه‌ای آن بر پوشش خبری، مجامع بین‌المللی و بحث‌های سیاسی در مورد خاورمیانه در چند ماه گذشته تسلط یافته، خیلی‌ها ممکن است فراموش کنند که چند سال گذشته، روند غالبی که منطقه را شکل می‌داد، یک تغییر گسترده‌تر به سمت تنش‌زدایی، نزدیک شدن و عادی‌سازی روابط میان کشورهای مختلف بود. بازیگران منطقه‌ای تا حدی به دلیل درک گسترده از دورشدن فزاینده ایالات متحده از خاورمیانه و افزایش غیرقابل اعتماد بودن واشنگتن، گام‌هایی برای رفع نگرانی‌های خود برداشتند. توافق عادی‌سازی ماه مارس سال ۲۰۲۳ بین عربستان و ایران که رقبای دیرینه منطقه‌ای هستند، شاید واضح‌ترین مثال برای این موضوع باشد. با این حال، این روند همچنان در نزدیکی ترکیه به عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر و اسرائیل نیز مشهود بود. فشار بحث‌برانگیز برخی از کشورهای عربی برای بازگرداندن بشار اسد به اتحادیه عرب و گفت‌وگوهای جاری بین عربستان سعودی و حوثی‌های مورد حمایت ایران در یمن نیز نمونه‌های دیگری از این روند هستند. در عین حال، در بیشتر سال ۲۰۲۳، تداوم تنش‌ها بین برخی بازیگران کلیدی موجب شده بود که یک روند متقابل قوی نیز وجود داشته باشد. جنگ‌های داخلی در یمن، لیبی و سوریه ادامه یافت اما وضعیت‌شان در همان حد باقی ماند. درگیری جدیدی در سودان در اواسط آوریل آغاز شد و نیروهای مسلح سودان در مقابل نیروهای پشتیبانی سریع قرار گرفتند. جنگ داخلی در این کشور کلیدی شمال شرق آفریقا، تا به امروز بیش از ۱۲۰۰۰ کشته و ۶ میلیون ۶۰۰ هزار آواره در داخل سودان و خارج از مرزهای این کشور بر جای گذاشته است. علاوه بر این، جنگ روسیه علیه اوکراین همچنان بر خاورمیانه و شمال آفریقا، به‌ویژه از نظر امنیت غذایی منطقه تأثیر می‌گذارد. قفقاز جنوبی نیز شاهد جنگی مجدد بود و جمهوری آذربایجان در ماه سپتامبر پس از یک محاصره چندماهه، قره‌باغ را در یک عملیات نظامی بازپس گرفت. این اقدامی است که احتمالاً نفوذ آنکارا، متحد نزدیک باکو را در منطقه تثبیت خواهد کرد و مسکو و ایران را به دردمسخر خواهد انداخت. اما حمله



حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر و جنگ متعاقب آن در غزه، علامت سوال‌های بزرگی را در مورد آینده خاورمیانه و در واقع سیاست ایالات متحده در قبال منطقه به‌طور گسترده‌تر ایجاد کرده است. در حالی که مشخص نیست سال جدید چه با خود خواهد داشت اما بعید به نظر می‌رسد که سال ۲۰۲۴ سالی آرام‌تر از سال ۲۰۲۳ باشد.

تأثیر دراز مدت جنگ اسرائیل و حماس بر تحولات ۲۰۲۴

پل سالم / رئیس و مدیرعامل انستیتو خاورمیانه
قبل از ۷ اکتبر، منطقه به سمت تنش‌زدایی، عادی‌سازی و اولویت قرار دادن اقتصاد حرکت می‌کرد. امروز، درگیری اسرائیل و فلسطین به شدت در جریان است و هم‌زمان، درگیری بین ایران و نیروهای مورد حمایتش از یک‌سو و ایالات متحده از سوی دیگر نیز تشدید شده است. چگونگی پایان دادن به جنگ غزه و آنچه پس از این جنگ رخ می‌دهد، تأثیر عمیقی بر روند تحولات منطقه در سال ۲۰۲۴ خواهد داشت. اگر جنگ با اشغال مجدد غزه توسط اسرائیل و گسترش سریع شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری به پایان برسد، روند عادی‌سازی بیشتر روابط کشورهای عربی با اسرائیل کند خواهد شد و افکار عمومی جهان علیه این عادی‌سازی تثبیت خواهد شد. در عین حال، ایالات متحده در روابط منطقه‌ای خود با موانعی مواجه خواهد شد. ایران و گروه‌های مورد حمایتش و نیز گروه‌های افراطی سنی تندرو از این قطب‌بندی سود خواهند برد و طرفدار و نفوذ بیشتری به دست خواهند آورد. از سوی دیگر، اگر جنگ با یک تلاش صلح‌آمیز قوی به رهبری ایالات متحده به شمول بازیگران کلیدی جهانی و منطقه‌ای دنبال شود، منطقه می‌تواند در جهت مثبت‌تری قرار گیرد و رادیکال‌ها و خرابکاران در حاشیه قرار گیرند. در سطح ملی، به‌رغم سازماندهی انتخابات ملی - عمدتاً ساختگی - در مصر (دسامبر ۲۰۲۳)، تونس، الجزایر و ایران، تغییرات سیاسی کمی قابل انتظار است. در سال ۲۰۲۴ باید اسرائیل را به دقت زیر نظر داشته باشیم. بنیامین نتانیاهو و دولت راست افراطی او بعید است در سال ۲۰۲۴ در قدرت باقی بمانند. در ایران نیز مسائل زیادی در ساخت قدرت ممکن است رخ دهد.

از نظر اقتصادی، منطقه در شرایط فرازونشیب باقی خواهد ماند. صندوق بین‌المللی پول نرخ رشد کلی تولید ناخالص داخلی در خاورمیانه را ۲/۴ درصد تخمین می‌زند که نسبت به ۲ در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته است، اما نابرابری‌های اقتصادی و فاصله درآمدی زیاد بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

در رأس هرم و همسایگان نزدیکش مانند یمن یا سوریه باقی خواهد ماند. در این بین، کشورهایی که درآمد متوسط دارند، برای کاهش بیکاری و تورم تلاش خواهند کرد در حالی که بار بدهی‌های زیادی را به دوش می‌کشند. مصر و اردن، به‌طور ویژه، با ترکیبی از چالش‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی مواجه خواهند شد. وقتی صحبت از جنگ‌های داخلی جاری در منطقه به میان می‌آید، لیبی، سوریه و یمن ممکن است تا حد زیادی در همین شرایط باقی بمانند، اما درگیری در سودان همچنان بدتر خواهد شد. در کنار تلاش‌های مهم برای مقابله با اثرات مناقشه اسرائیل و فلسطین توسط دیپلماسی قوی و جسورانه، تلاش‌ها برای کاهش تنش یا پایان دادن به چهار جنگ داخلی فوق‌الذکر نیز باید مضاعف شود.

اثر رقابت‌های حزبی بر سیاست خاورمیانه‌ای واشنگتن

برایان کاتولیس / معاون سیاستگذاری
نگاهی گذرا به سال ۲۰۲۳، نشان می‌دهد که چالش‌های ایالات متحده در خاورمیانه بزرگ، اصلاً کم نخواهند شد: جنگ فعال و مداوم بین اسرائیل و حماس در نوار غزه، چالش‌های مرزمن امنیت انسانی که ساختارهای دولتی منطقه را تحت فشار قرار داده است و تهدیدهای مداوم هم از سوی ایران و نیروهای مورد حمایتش و همچنین شبکه‌های تروریستی مانند بقایای داعش و غیره، از جمله چالش‌های آمریکا در سال ۲۰۲۴ خواهند بود. اما برخی از بزرگترین چالش‌های سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه در سال جدید ممکن است از داخل نشأت بگیرد. وقتی صحبت از پیشبرد استراتژی منسجم در منطقه در سه جبهه مهم در میان است، دستگاه سیاست و نظام سیاسی آمریکا ممکن است به یکی از بدترین دشمنان خودش تبدیل شود. نخست اینکه، دولت بایدن در دستگاه امنیت ملی خود با چالش‌های بزرگی در زمینه پهنای باند عملیاتی مواجه است. همراه با فقدان تمرکز استراتژیک و نبود اولویت‌های روشن در سیاست خارجی کلی آمریکا، این امر می‌تواند توانایی این کشور را برای پیشبرد استراتژی تعامل در سراسر خاورمیانه بزرگ مختل کند. جنگ روسیه علیه اوکراین و اقدامات چین در آسیا و سراسر جهان همچنان زمان و توجه زیادی را به خود اختصاص خواهد داد. دوم، انگیزه اساسی دولت بایدن برای اجتناب از اتخاذ یک موضع پیشگیرانه‌تر در رویکردهای دیپلماتیک و نظامی در سراسر خاورمیانه است که تا حدی ناشی از محدودیت‌های پهنای باند است و این امر ممکن است درگیری‌هایی مانند جنگ اسرائیل و حماس را طولانی کند. همچنین این امر می‌تواند در کوتاه‌مدت فرصت‌ها را برای پیشبرد برخی از گام‌های تعامل فعال‌تری که دولت بایدن پیش از ۷ اکتبر دنبال می‌کرد، از جمله گسترش کار مجمع نطق، احتمال عادی‌سازی بین عربستان سعودی و اسرائیل و برداشتن گام‌هایی



خاورمیانه ۲۰۲۴

پیش‌بینی انستیتو خاورمیانه از روند تحولات سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه در سال آینده